لاریجانی: دشمنان در صورت جسارت نقره داغ می شوند

ایسنا- رئیس مجلس باتاکید براین که ایران در مسئله امنیت ملی با کسی شوخی ندارد، گفت: دشمنان در صورت جسارت نقره داغ می شوند. لاریجانی افزود: در شرایط فعلی، منطقه ایران با رحمات نیروهای نظامی، سپاه و دیگر نیروهای مسلح و بسیج و اطلاعات از امنیت برخوردار است. وی تاکید کرد: اگر در مقابل جریان های تروریستی ایستادگی نشود، امنیت ایران اسلامی نیز به خطر می افتد.

برجام

فهرست میلیاردرهای آمریکایی مخالف برجام

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا باوجود ارزیابی های ارتش این کشور و تاییدیه های آژانس بین المللی انرژی اتمی مبنی بر پای بندی ایران به برجام به دنبال تایید نشدن پای بندی ایران به این توافق است. بررسی اظهارات و فعالیت برخی از تامین کنندگان مالی اصلی ترامپ نشان می دهد که چرا وی قصد برهم زدن برجام را دارد. به گزارش دیپلماسی ایرانی به نقل از لوبلاگ، تعداد کمی از بزرگ ترین تامین کنندگان مالی مبارزات انتخاباتی و حقوقی وی، بیانیه های افراطی در این زمینه منتشر و حداقل در یکی از موارد، حمایت خود را از حمله هسته ای به جمهوری اسلامی اعلام کرده اند.

■ برنارد مارکوس

به عنوان مثال، برنارد مارکوس، میلیاردر و بنیان گذار هوم دیپو، یکی از چندین تامین کننده مالی ترامپ است که بخشی از هزینه های حقوقی تحمیل شده از سوی دونالد ترامپ و وکلای وی در پرونده دخالت انتخابات روسیه را به مبلغ ۱۰۱/۷۰۰ دلار تامین کرد. مارکوس همچنین منتقد توافق نامه ایران است. وی در یک مصاحبه تجاری گفت: "زمانی که با شیطان معامله می کنید، مشکلات بزرگی به وجود می آید. به نظر من ایران، همان شیطان است." وی برجام را نیز "بسیار مرگبار" و مستلزم لغو شدن خواند. مارکوس از گروه هایی که با دیپلماسی هسته ای با ایران مخالفت می کنند، حمایت مالی می کند.

■ شلدون آدلسون

شلدون آدلسون، میلیاردر یهودی و همسرش میریام، کازینودار و از بزرگ ترین حامیان مالی مبارزات انتخاباتی ترامپ هستند که ۳۵ میلیون دلار برای این کار هزینه کردند. در اوایل دوره انتخابات، ترامپ مشخص کرد حمایت مالی آدلسون، بدون پاداش نخواهد بود. او سناتور مارکوروبیو را به دلیل ابراز تمایل به خانواده آدلسون مسخره کرد. در ماه اکتبر سال ۲۰۱۵ ترامپ در توئیتر خود نوشت: "شلدون آدلسون قصد دارد مقدار زیادی دلار به مارکوروبیو بدهد، زیرا احساس می کند می تواند او را به عروسک دست نشانده خود تبدیل کند. موافقم!" نوت گینگریچ در سال ۲۰۱۲ گفت ارزش اصلی آدلسون حمایت بی قید و شرط از اسرائیل است، به خصوص حزب راست و بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل. آدلسون، مانند مارکوس، سخاوتمندانه گروه های مخالف برجام را حمایت مالی کرده است، به طوری که تا پایان سال مالی ۱/۵،۲۰۱۱ میلیون دلار در این زمینه خرج کرده بود.

■ پل سینگر

پل سینگر، میلیاردر، با وجود این که کم تر از مارکوس یا آدلسون شناخته شده، اما به همان اندازه تاثیر گذار است. وی در ابتدای نامزدی ترامپ با اورقیب بود. اما حساب های بانکی خود را به روی کمیته افتتاحیه ترامپ گشود و یک میلیون دلار در این زمینه خرج کرد. او همزمان، از برخی گروه های ضد قرارداد هسته ای ایران نیز حمایت مالی می کرد. در سال ۲۰۱۵، بنیاد سینگر به گروه های مخالف قرارداد هسته ای ایران دو میلیون دلار کمک مالی کرد.

روایت «صبح نو» از مواضع اخیر موسوی خوئینی ها

آیا موسوی خوئینی ها در حال بازگشت به عرصه سیاسی است؟

حجت الاسلام سید محمد موسوی خوئینی ها از مهم‌ترین سیاستمداران اردوگاه اصلاحات محسوب می‌شود؛ مرد خلوت گزین سپهر سیاست، که سال ها از وی اظهار نظری دیده نمی شد اما اکنون دو، سه ماهی است که درباره موضوعات مختلف به خصوص رویدادهای مربوط به دهه ۶۰ به بیان برخی خاطرات و مواضع خود می پردازد. مواضعی که البته با انتقاد برخی چهره های اصلاح طلب هم همراه شده است. با این حال، اصلی ترین سوالی که درباره او مطرح می شود این است که آیا این چهره تاثیر گذار دهه ۶۰ در حال بازگشت به عرصه سیاسی است؟ «صبح نو» در گزارشی خبری-تحلیلی به این موضوع پرداخته است که در ادامه خلاصه این گزارش را می خوانید.

موسوی خوئینی ها با راه اندازی کانال تلگرامی و پاسخ به پرسش های تاریخی خوانندگان، احیای فعالیت های رسانه ای خود را آغاز کرد؛ هرچند او همچنان حاشیه نشینی در عصر سیاست ورزی اصلاح طلبان را مدنظر دارد اما بازخوانی رخدادهای اوایل انقلاب اسلامی و سپس اصلاحات به روایت شیخ سایه نشین، همیشه جذاب است. هرچند دو موضع گیری او به مذاق یاران سیاسی اش خوشایند نبود. او در نامه ای به آقای محمدعلی نجفی، شهردار جدید تهران، خواهان پایان جنگ روانی جریان اصلاحات در قبال کارآمدی و مدیریت جهادی آقای محمد باقر قالیباف و همچنین خواستار «نوید شهردار جدید به مردم برای ایجاد شهر آبادتر» شد و سپس به تحسین مدیریت شهری محمدباقر قالیباف پرداخت. همچنین در پاسخ به پرسش «آیا پس از رحلت امام خمینی (ره) شما خواهان ریاست بر قوه قضاییه بوده اید؟» با ذکر قسمت هایی از کتاب مرحوم آیت ا... هاشمی رفسنجانی معتقد است که ایشان «در نقل این خاطره ها راه خطا رفته است» و «اگر دیگر خاطرات ایشان تا این اندازه بی دقت باشد، در استفاده از آن ها همواره باید جانب احتیاط را در پیش گرفت.»

موسوی خوئینی ها به تازگی نیز با یادآوری بخشی از اقدامات خصمانه آمریکا در قبال ایرانیان، آنان را دشمن همیشگی ایرانیان معرفی کرد و نوشت: «آمریکاییان هم هیچ زمانی دوست ملت ایران نبوده اند. در ماجرای نهضت بزرگ ملی شدن نفت، آمریکا هرگونه کارشکنی کرد تا این نهضت به بار ننشیند و عاقبت با هم دستی انگلیسی ها و با کودتای نظامی، دولت قانونی مرحوم دکتر مصدق را سرنگون کرد و شاه ایران را مدیون و مرعوب خود ساخت. او هم، برای این که به سرنوشت پدرش گرفتار نشود و به تبعید بی بازگشت نرود، مطیع بی چون وچرای آمریکا شد. همچنین از زمانی که در پی انقلاب اسلامی، برای همیشه دودمان پهلوی و رژیم سلطنتی سقوط کرد، آمریکا حتی یک روز هم با ایران از در دوستی وارد نشد. امروز هم رئیس جمهور آمریکا در سنگ‌اندازی بر سر راه ایران و ایرانیان گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده است.» او همچنین تاکید کرده است: مجمع روحانیون نه در پی آن است که در تنور مبارزه با آمریکا نانی برای خود بپزد و نه هرگز گمان می برد که در دوستی با آمریکا، تا زمانی که دولت مردان آن کشور بر طبل خصومت می کوبند، برای ملت ایران خیری نهفته است. موسوی خوئینی ها در بخش دیگری از اظهارات اخیر خود، به مرحوم ابراهیم یزدی هم کنایه زد و او را همسو با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران دانست و نوشت: «... پس از اشغال لانه، علاوه بر حمایت گسترده توده های مردم در سراسر کشور، تمام گروه ها و تشکل های سیاسی و حتی غیرسیاسی، از چپ‌ترین ها تا راست‌ترین ها، از این حرکت حمایت کردند. مرحوم دکتر یزدی - که خداوند او را مشمول رحمت خود فرماید - در دوره اول مجلس شورای اسلامی، از تریبون مجلس اعلام کرد: "بله، بعد از این که مسئله گروگان گیری اتفاق افتاد، من اولین کسی بودم که تأیید کردم و با آقای موسوی خوئینی ها تلفنی تماس گرفتم و گفتم آقا این کار لازم بوده".» این گزاره ها البته با واکنش اعضای نهضت آزادی همراه شد و این سوال را مطرح کردند که چرا الان که ابراهیم یزدی درگذشته است این خاطرات مطرح می شود.

به نظر می رسد سایه نشین اصلاحات از چشم انداز کنش های سیاسی اصلاح طلبان احساس خطر کرده است. بخشی از طیف چپ مدرن در کنار راست مدرن که خواهان هدایت گری اصلاح طلبان در قالب حزب کارگزاران سازندگی است؛ استراتژی حضور همیشگی بر سریر قدرت را از ایدئولوژی و هویت گرایی اصلاح طلبانه ارجح می پندارند و در گام های اولیه مرزبندی های جدی میان اصلاح طلبان اصیل با اقدامات ساختارشکنانه نهضت آزادی دهه ۶۰ را «پشت داوری» تلقی کردند و خواهان قرابت فکری با کهن سالان حامی مرحوم مهندس بازرگان شدند. این اقدامات زنگ خطری برای پیران اصلاحات است و موسوی خوئینی ها برای کتمان نزدیکی فکری طیف اصلاحات با طیف هایی مانند نهضت آزادی، بار دیگر به یادآوری هویت «آمریکاستیزانه» تاریخی مجمع روحانیون پرداخت. پیرمرد، سیاستمدار زمان شناس است؛ لایه دیگر سخنان موسوی خوئینی ها به اثرگذاری رفتار عهدشکنانه آمریکا در قبال برجام باز می گردد و به روایت نظرسنجی ها، روحیه ضدیت با آمریکا در جامعه ایرانی افزایش پیدا کرده و هنگامه موج‌سواری بر افکار عمومی با گزاره های ضدآمریکایی مهیا شده است.

الگوهای بازدارندگی ایران در فضای جدید منطقه ای

با تحول در سیستم جهانی، موضوع بازدارندگی و دفاع را هبردی به یکی از جدی‌ترین دل مشغولی های دولت‌ها تبدیل شده است. پیچیدگی های نظم جهانی، شبکه‌ای شدن ساخت قدرت، درهم تنیدگی و نبود تقارن نظام امنیتی و نقش آفرینی بازیگران غیردولتی سبب شده است معادلات بقا از حالت سنتی خارج شود. در این بین، ایران به عنوان کشوری تجدیدنظرطلب در نظم آمریکا محور، شرایط خاصی را از منظر بازدارندگی درک کرده است. تجربه تهاجم عراق و هشت سال جنگ پرهزینه، رویکرد تهاجمی آمریکا و گاهاً بازیگران منطقه‌ای، ایران را ناگزیر به اتخاذ سیستم دفاعی با قدرت بازدارندگی مؤثر کرده است.

دست یابی به چنین سیستمی ارتباط مستقیم به حل معادله دفاع-تهاجم دارد. وضعیت ایران در معادله دفاع -تهاجم به دلیل شرایط جغرافیایی، پراکنش قومی-مذهبی، جغرافیای اقتصادی، نحوه قرارگیری نقاط راهبردی، ساختار نیروهای مسلح، فناوری نظامی و غیره به نفع دفاع سنگین‌تر است.

این در حالی است که در فضای منطقه‌ای و بین المللی قرار گرفتن در زیر سیستم های مختلف، فشارهای ساختاری ناشی از نظم هژمونیک، وجود و تعدد بازیگران چالشگر منطقه‌ای، ائتلاف نسبتاً پایدار قدرت مداخله گر و چالشگران و نیز نوع کنش این بازیگران با بازیگران غیردولتی و به خصوص گروه های سنی افراطی، تهاجم را برای ایران پرهزینه ساخته است.

در بازدارندگی مبتنی بر دفاع به دلیل توان بالای آمریکا و شکل گیری سیستم نامتقارن منطقه‌ای نمی توان به سمت بازدارندگی مستقیم رفت. از طرفی، محیط پیرامونی ایران نیز به طور محسوسی از ناامنی متعارف به سوی ناامنی نامتعارف و مبتنی بر تعارض سوق یافته است و هرگونه بازدارندگی مستقیم با قدرت مداخله گر شرایط را به نفع طرف مقابل و به ضرر ایران رقم خواهد زد. از این رو، تمرکز بر بازدارندگی غیر مستقیم و شبکه‌ای گزینه های معقولی محسوب می شود.

در بازدارندگی غیر مستقیم، مبنا افزایش هزینه آمریکا در منطقه از طریق تصور تهدید توسط متحدان و شرکای سیاسی و امنیتی آن است. نداشتن عمق استراتژیک همسایگان جنوبی و ضعف های آن ها در حوزه دفاع، دست ایران را برای اقدامات بازدارنده از طریق نمایش قدرت باز می گذارد.

بدین منظور، نیاز است سازوکارهای کارآمدی و هم افزایی در سطوح داخلی و تجمیع توانمندی های ارتش، سپاه و بسیج بر رسی و سیستم های متنوع مقابله با تهدید در سطوح مختلف طراحی شود و ضمن تقسیم کار و به‌روزرسانی در مقاطع زمانی کوتاه، چابک‌سازی سازمان نظامی کشور در دستور کار قرار گیرد. به نظر می رسد انتخاب امیر حاتمی، به عنوان وزیر دفاع، شرایط را برای این تغییرات و رفرم نظامی ایجاد می کند. البته باید توجه داشت هزینه کرد بیش از حد معقول و پذیرفته شده در عرف نظامی و بین المللی زمینه سوءبرداشت را فراهم و در فضای بین المللی همسایگان ضعیف را برای افزایش حضور قدرت مداخله گر محقق می کند. از این جهت، باید مرز باریک بازدارندگی مستقیم و غیر مستقیم همواره مدنظر تصمیم گیران باشد.

با توجه به ضعف های بازدارندگی غیر مستقیم نیاز است که خلأهای این حوزه توسط بازدارندگی شبکه‌ای پر شود. در این مدل، حوزه های استراتژیک توسط استراتژیست ها در نظر گرفته می شود و پیوند آن ها مفروضات بازدارندگی را تحقق می بخشد؛ به گونه‌ای که در صورت وجود تهدید، حوزه ها و بخش های مختلف تحت تأثیر قرار می گیرد و هزینه های اقدام برای قدرت مداخله گر افزایش می یابد.

چنین راهبردی البته توسط رقبای ایران نیز دنبال می شود. ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران برپایه پیوستگی رقبای ایدئولوژیک، ایجاد جبهه مشترک عبری عربی و بسیج گروه های تندرو علیه ایران از جمله مواردی است که در این چهارچوب پیگیری می شود.

به نظر می رسد مهم‌ترین اقدام و پیش نیاز در این خصوص، خنثی سازی شبکه های ضدایرانی است؛ بدین منظور شکاف میان متحدان قدرت مداخله گر، سرمایه گذاری بر جنبش های اسلامی ضدآمریکایی و ضداسرائیلی، بهره گیری از ظرفیت های جامعه جهانی در مقابله با گروه های تکفیری، ایفای نقش فعال در مباحث مربوط به امنیت انرژی، حساسیت زدایی از نقش های متداخل منطقه‌ای ایران، سرمایه گذاری بر ورود رقبای قدرت مداخله گر (روسیه و چین) در معادلات منطقه‌ای، پیش نیازهای شبکه‌سازی محسوب می شود.

قرارگیری ایران حد فاصل مناطق راهبردی خلیج فارس، اروپا، آسیای مرکزی، قفقاز و غرب آسیا از جمله مزیت های جغرافیایی ایران در شبکه‌سازی محسوب می شود. در صورت اتخاذ چنین راهبردی باید دقت نظر داشت ضعف پیوندهای راهبردی بین خوشه های امنیتی یادشده سبب تشکیل نشدن فضای ادغام شده و نتیجه معکوس می شود. ولی با تمرکز صحیح بر بازدارندگی شبکه‌ای می توان محیط راهبردی ایران و کارگزاران بازدارندگی یک جانبه را تحت تاثیر قرار داد؛ بنابراین مدیریت الگوی رفتاری بازیگران، کم هزینه و از میزان عنصر غافلگیری محیط کاسته می شود. در این میان، هر اندازه در شبکه های هدف، ایران از نظر امنیتی و سیاسی فعال تر باشد، تهدیدات ناشی از آن نیز می تواند اعتبار بیشتری داشته باشد.

در این زمینه، برای اثربخشی بیشتر به ارتباط عقلانی میان شبکه ها و کانال مطمئن و موثق برای درک اغراض و حدود اعمال ممنوعه ایران از کنشگری خود در شبکه های مختلف نیاز است. بدین منظور، تدوین و انتشار دکترین امنیتی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت توسط ایران می تواند به درک خطوط قرمز و تداخل نداشتن حوزه ها کمک کند.

منبع: موسسه مطالعاتی ابرار معاصر تهران